

مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه ای آن، مطالعه موردی: شهرستان ساوجبلاغ

سعید معیدفر
دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
صادق اکبری
دانشجوی دوره دکتری جامعه شناسی توسعه دانشگاه تهران

چکیده

پیوندهای گوناگونی بر حسب شرایط و بسترهای اقتصادی و اجتماعی بین روستاها و شهرها برقرار است که این پیوندها می تواند اثرات توسعه ای و یا توسعه نیافتگی برای هرکدام از فضاهای شهری و یا روستایی (بوئزه روستاها) را به دنبال داشته باشد. بر این اساس هدف مهم این تحقیق آن است که روابط و مناسبات بین روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی روستاها را تبیین نماید. برخی از نظریه های منفی نگر، مناسبات روستا با شهر را باعث توسعه نیافتگی و برخی دیگر مناسبات را عامل توسعه یافتگی می دانند. رویکرد نظری این پژوهش حاکی از آن است که مناسبات عامل اصلی توسعه یافتگی محسوب می شود و نتایج بدست آمده نیز نشانگر این است که بین میزان مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی آن رابطه مثبت وجود دارد. همچنین روستاهایی که مسافت آن ها با شهر کمتر است مناسبات آنها با شهر بیشتر و همچنین سطح توسعه یافتگی آنها بیشتر است.

واژه های کلیدی: مناسبات روستا با شهر. سطح توسعه یافتگی. پیوند روستا با شهر

مقدمه

پایداری جمعیت شهری و روستایی در جهان در حال توسعه به عنوان کلیدی ترین چالش قرن ۲۱ شناخته شده است (lynch, ۲۰۰۵: ۳). طرح این موضوع از این منظر اهمیت دارد که جریان های جمعیتی^۱ از روستا به شهر به عنوان یکی از ابعاد مهم مناسبات روستا-شهر^۲ و عینی ترین و ملموس ترین بعد آن تلقی می شود و توسعه روستاها و شهرها و برقراری مناسبات سودمند متقابل می تواند به تثبیت و پایداری جمعیت هر یک کمک نماید.

شواهد نشان می دهد که شهرها در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته، بر پیرامون خود (حوزه نفوذ) متکی می باشند، بویژه اینکه اکثریت جمعیت این کشورها هنوز در روستاها ساکن هستند. مناسبات متقابل بین شهرها و روستاهای پیرامون بسیار مهم است، زیرا تولیدات مهم روستاها که برای صادرات در نظر گرفته می شود، عمدتاً از طریق شهرها صادر می شوند. ضمن اینکه شهرها منابع مهم مالی، خدمات و اطلاعات و . را برای روستاها فراهم می سازند و امور مربوط به واردات کالاهای صنعتی و بعضی از نهاده های کشاورزی را انجام می دهند. بنابراین شهرها برقراری پیوند بین نواحی روستایی و بازار جهانی را فراهم می نمایند. این پیوندهای وابسته به هم^۳ می تواند پایه های چرخه مثبت کنش متقابل^۴ را شکل دهد.

مطالعات اولیه مناسبات شهر- روستا^۵ بر تعاملاتی جمعیتی بین شهر و روستا متمرکز بود. رویکرد دیگری که در مطالعه مناسبات شهر- روستا وجود

۱ - flows of people
 ۲ - rural-urban relations
 ۳ - interdependent links
 ۴ - interaction
 ۵ - Urban-rural relationships

داشت، مطالعه اثرات مراکز شهری بر پسرانه ها و حوزه نفوذ بود. این رویکرد بیشتر صبغه جغرافیایی دارد. تعامل شهر-روستا^۶ از جمله موضوعات مورد علاقه محققان و صاحب نظران توسعه مانند راندینلی^۷ و لیپتون^۸ نیز بوده است. جامعه شناسان نیز بطور فعالانه در زمینه روابط بین شهر - روستا^۹ مشارکت داشته و توجه آنها عمدتاً بر تغییر در جوامع روستایی و تحول آن معطوف است - ۳: ۱۹۹۵, (Kaur ۴)، ولی بخش عمده‌ای از مباحث اصلی در ادبیات توسعه بر مناسبات میان فضاهای شهری و روستایی متمرکز است (۱: ۲۰۰۱, Jerve). فضاهای شهری با هر اندازه و مقیاس به عنوان یک نظام اقتصادی و اجتماعی دارای یک حوزه نفوذ و عملکرد هستند و حوزه عملکردی آنها معمولاً شامل چندین فضای روستایی می‌گردد. محققان و صاحب نظران توسعه که به بررسی مناسبات روستاها و شهرها می‌پردازند، آثار توسعه‌ای فی‌مابین را مورد نظر دارند به نحوی که شهرها و بویژه شهرهای کوچک می‌توانند در گسترش و انتشار توسعه به نواحی تحت نفوذ خود نقش مفید و مؤثری ایفا نمایند. از آنجایی که شهرهای کوچک، انتهای زنجیره توسعه یافتگی و مدرن‌سازی نقاط شهری متصل به نواحی روستایی هستند، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند تا این توسعه‌یافتگی به آن نواحی رسوخ نماید (فنی به نقل از MC, Gee, ۱۳۸۲: ۳۱).

بدیهی است که تمام شهرها اعم از شهرهای بزرگ و کوچک به یک میزان حوزه نفوذ و عملکردی خود را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند و آثار و پیامدهای مناسبات آنها با روستاهای پیرامون به یک اندازه نیست. شهرها و بویژه شهرهای

۶- Urban-rural Interactions

۷- Rondinelli

۸ - Lipton

۹ - Urban-rural Relations

کوچک نقش حامل اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای منطقه ای و نواحی روستایی خود ایفا می نمایند (۱۹۹۷:۴۱، tuerah). اینکه مناسبات شهر با روستاهای پیرامون یک نوع رابطه مثبت و نیکو و یا رابطه ای استثماری است، از پرسش های اساسی محسوب شده و به کانون نظریه های توسعه مربوط می شود، جایی که مناسبات مرکز و پیرامون ۱۰ را از منظر مثبت بودن و یا منفی بودن تحلیل می نماید (lynch, ۲۰۰۵: ۳۳).

پرسشی که در این مقاله با آن روبرو هستیم این است که آیا روستاهایی که با شهر مناسبات بیشتری دارند، سطح توسعه یافتگی آنها بیشتر است؟ و آیا روستاهایی که مسافت کمتری با شهر دارند، سطح توسعه یافتگی آنها بیشتر است؟

اهداف تحقیق

نواحی روستایی و شهری همواره و به طور سنتی به عنوان دو مجموعه سکونت گاه جدا و رقیب یکدیگر تلقی گردیده و در زمینه تهیه برنامه های توسعه، برنامه ریزی و سیاست گذاری به صورت منفک و جدا از هم دیده می شوند، در حالی که مطالعات و بررسی ها حکایت از وجود یک مجموعه روابط ساختی فی مابین این دو سکونت گاه دارد. در راهبرد جدید بانک جهانی نیز ارتباط جدایی ناپذیر نواحی شهری و روستایی در فرایند توسعه به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که در این راهبرد باید روابط متقابل اقتصاد شهری و روستایی در تدوین تلاش های توسعه به صورت گسترده در نظر گرفته شود (بانک جهانی، ۱۳۸۴:

۱۸). تحقیق حاضر ضمن بررسی روابط و تعامل روستاها با شهرها برآن است تا نقش میزان مناسبات و سطح توسعه یافتگی روستاها را تبیین نماید.

دیدگاههای مطرح در مناسبات روستا و شهر

رویکردهای نظری به مناسبات روستا - شهر را می توان به دو دسته کلی منفی نگر و مثبت نگر تقسیم بندی نمود. در رویکرد های منفی نگر مناسبات بین روستا با شهر را یک طرفه و به نفع شهر و به ضرر روستا می دانند و اعتقاد دارند که کلیه جریان های اقتصادی، مالی، مردم (مهاجرت)، و . . به نفع شهر و به زیان روستا است. پوتر^{۱۱} در زمینه مناسبات روستا با شهر از الگویی به نام "اقتصاد فضای استعماری"^{۱۲} یاد می کند که در آن مجموعه یک کشور و سرزمین برای صادر نمودن مواد خام به قدرت استعمارگر متشکل و هماهنگ می شود. در چنین فضایی شهرها چگونگی ارتباط بین روستاها و بازار جهانی را شکل می دهند و این رابطه استعماری بین شهرها با روستاها نیز وجود دارد. به اعتقاد پوتر اغلب زیرساخت ها در سطح ملی برای حمایت و تقویت روابط استعماری بین شهر و روستا گسترش و توسعه می یابد. میراث چنین روابطی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود بخش هایی از یک شهر و یا تعداد اندکی از شهرها به عنوان کانون فعالیت های اقتصادی کشور است. تداخل مناسبات بین شهر و روستاهای پیرامون نیز میراث دیگر الگوی استعماری است که برخی آن به عنوان مناسبات استعماری جدید^{۱۳} بین روستا با شهر یاد می کنند. (۱۷: ۲۰۰۵،

(lynch)

۱۱ -Potter

۱۲ -Colonial space economies

۱۳ -Neo-colonial

هانس بوبک^{۱۴} در تحلیل روابط میان شهر با روستا در دنیای غیر صنعتی عمدتاً و پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه ای از "روابط سلطه" با ماهیت "استثمار" از سوی شهرها بر محیط های روستایی تاکید دارد. بوبک در نوشته های پیشتاز خود در زمینه روابط شهرها و حوزه های (روستایی) پیرامونی در کشورهای شرق اسلامی، بویژه ایران این گونه روابط سلطه را در قالب "سرمایه داری بهره بری"^{۱۵} مطرح ساخته است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۶. مؤمنی، ۱۳۷۷: ۱۵۳؛ تقی زاده ۱۳۸۴: ۴۰، اهلرس، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

آندره گوندر فرانک^{۱۶} صاحب نظر مکتب وابستگی نیز از طریق ارایه الگویی از رابطه میان متروپل و قمر سعی نموده است، سازوکارها و نحوه عملکرد توسعه نیافتگی قمر را توضیح دهد. وی معتقد است خاستگاه روابط میان متروپل - قمر را باید در دوران استثمار جست. فرانک می گوید، رابطه متروپل - قمر به سطح بین المللی محدود نمی شود، بلکه همین طور در سطوح منطقه ای و داخلی جهان سوم نیز جریان دارد. بدین ترتیب همان طور که شهرهای بزرگ ملی به اقمار متروپل غرب تبدیل گشته اند، خود این اقمار نیز به نوبه خود نسبت به شهرهای کوچک تر، یک متروپل استعماری به شمار می روند و خود آن شهرها نیز در اطراف خود دارای اقماری به شکل شهرک های محلی و روستاها هستند. استقرار این شبکه کامل میان متروپل ها و اقمار موجب گشته که مازاد اقتصادی از روستاهای جهان سوم به مراکز محلی و منطقه ای و از آن جا به پایتخت ملی و دست آخر به

۱۴ -Hans Bobek

۱۵ -Rent-Capitalism

۱۶. Andre Gunder Frank

شهرهای بزرگ غربی جریان پیدا کند(سو، ۱۳۷۸: ۱۲۴، پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۷۹ و ۱۸: ۲۰۰۵، Lynch).

مایکل لیپتون^{۱۷} نیز در نظریه سوگیری شهری خود اعتقاد دارد، نفوذ مؤثر شهر بر حوزه‌های روستایی، نه تنها مردم فقیر را در فقر نگه می‌دارد، بلکه موجب نابرابری‌هایی در داخل حوزه‌های روستایی می‌شود. در مجموع وی مناسبات شهر با روستا را به ضرر و زیان روستا می‌داند (لیپتون به نقل از شکویی، ۱۳۸۳: ۳۱۳، ۱۵۰: ۱۹۹۸، Tacoli).

در دوره‌هایی از تاریخ کشورمان و بویژه قرون هیجدهم و نوزدهم که شهرها متکی به مازاد اقتصادی جامعه روستایی بودند و شهرها نیز کالاهای صنعتی و فرآوری شده و وارداتی را برای آنها فراهم می‌کردند، این نظریه‌ها و رویکردهای منفی نگر می‌تواند شکل و ماهیت مناسبات را تبیین نماید. اگرچه در این دوران به واسطه قرار گرفتن کشور در وضعیت توسعه وابسته مازاد اقتصادی جامعه روستایی از طریق شهرها و بواسطه مبادله نابرابر به کشورهای غربی منتقل می‌شد. با تبدیل شدن نفت به عنوان یکی از منابع درآمدی اصلی کشور و کاهش وابستگی شهرها به مازاد اقتصادی جامعه روستایی شکل و ماهیت مناسبات شهر با روستا دگرگون شد و در حال حاضر این روستاها هستند که از طریق سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های دولت و انتقال بخشی از درآمدهای شهر از طریق کار و شغل افراد روستایی در شهر، به روستاها منتقل می‌شود. بنابراین استثمار و بهره‌کشی بدان شکل که مورد نظر صاحب‌نظران منفی نگر است وجود ندارد.

کسانی که به مناسبات روستا با شهر از منظر مثبت می‌نگرند، اعتقاد دارند، شهر مکان نوآوری، خلاقیت و تحول مثبت است. در مجموع شهر کانون

۱۷. Michal lipton

توسعه و ترقی محسوب می گردد و برقراری ارتباط و پیوند میان فضاهای شهری و روستایی سبب انتقال و اشاعه ویژگی ها و خصایص توسعه ای از شهر به روستا می گردد.

راندینلی^{۱۸} نیز به عنوان یکی از صاحب نظران مثبت نگر بر نقش توسعه ای شهرها و بویژه شهرهای میانی در فراهم کردن دامنه ای از خدمات برای نواحی پیرامون تاکید دارد (۱۸: ۲۰۰۵, lynch, راندینلی به نقل از شکویی، ۱۳۸۰: ۳۰۳).

پرو^{۱۹}، هریشمن^{۲۰} و هانسن^{۲۱} نیز از جمله صاحب نظران الگو و یا به عبارتی نظریه قطب رشد هستند، که اعتقاد دارند شهرها نسبت به روستاهای پیرامون خود قطب رشد محسوب می شوند و توسعه پیرامون را فراهم می سازند. این افراد با بهره گیری از «اثر قطبی شدن»^{۲۲} و «اثر انتشار تدریجی»^{۲۳} یا رخنه به پایین، سازوکار تاثیر شهرها بر روستاها و نواحی پیرامون را بیان می کنند. (صبغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۷-۲۴۶، ۱۴۰: ۲۰۰۳, Davkins, قره باغیان، ۱۳۸۱: ۲۹۶ و ۳-۴: ۱۹۹۷, Miyoshi)

گولد^{۲۴} نیز به اثر و پیامد های مثبت مناسبات شهر و روستا اعتقاد دارد. وی توسعه را با نوسازی^{۲۵} تعریف می کند و معتقد است، اشاعه نوسازی از مرکز شهر آغاز و به طرف سلسله مراتب پایین تر شهری و نهایتا نواحی روستایی

۱۸ - rondinelli

۱۹ - Perroux

۲۰ - Hirschman

۲۱ - Hansen

۲۲ - Polarization effect

۲۳ - Trickle Down effect

۲۴ - Gould

۲۵ - Modenaizaton

جریان پیدا کرد. این شواهد احتمالاً می تواند همان اثر انتشار تدریجی و یا رخنه به پایین نظریه قطب رشد باشد (lynch, ۲۰۰۵: ۲۲)

نظریه پردازان جامعه شناختی و اقتصادی مکتب نوسازی مانند، اسملسر^{۲۶}، ردفیلد^{۲۷}، اینکلس^{۲۸}، هوزلیتز^{۲۹} و ایزنشتاد^{۳۰} با توجه به گسترش جامعه شهری و غلبه آن بر اجتماعات روستایی در کشورهای توسعه یافته، یکی از معیارهای اساسی توسعه و نوسازی را شهرگرایی و تمرکز اجتماعات کشورهای در حال توسعه در شهرها می دانند (سبزیان، ۱۳۷۴؛ ۲۱-۲۰). صاحب نظران نوسازی هرگونه تغییر و تحول در جامعه روستایی و سنتی را موقوف به اشاعه ارزشهای مدرن و توسعه ای از شهرها به روستاها می دانند و یا تلویحاً ارزشهایی را مبنا و پایه نوسازی قرار داده اند که عمدتاً در زندگی شهری و اجتماعات شهرنشین یافت می شوند

در نزد صاحب نظران مکتب نوسازی، شهر به عنوان نماد و شاخص مدرن و توسعه یافته و روستا نماد و شاخص سنتی و توسعه نیافته است (قادری، ۱۳۷۸: ۷-۱۲۶).

لذا مکتب نوسازی بر این اعتقاد است که «شهرها عامل ایجاد کننده و گسترش دهنده و موتور محرک توسعه هستند و به عنوان تسهیل کننده و پخش توسعه و نوآوری روی حوزه نفوذ روستاهای پیرامون عمل می کنند» (پاول، به نقل از افراخته، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

۲۶ - Smelser
 ۲۷ - Rdfild
 ۲۸ - Inkeles
 ۲۹ - Hoselitz
 ۳۰ - Eisenstadt

از نظر مکتب نوسازی و به‌ویژه نوسازی اقتصادی، رویکرد رایج این است که افزایش آهنگ یک الگوی صحیح توسعه صنعتی - شهری می‌تواند محدودیت‌های درونی و ذاتی توسعه روستایی را جبران و برطرف سازد (۱: ۱۹۹۸, Doglass)

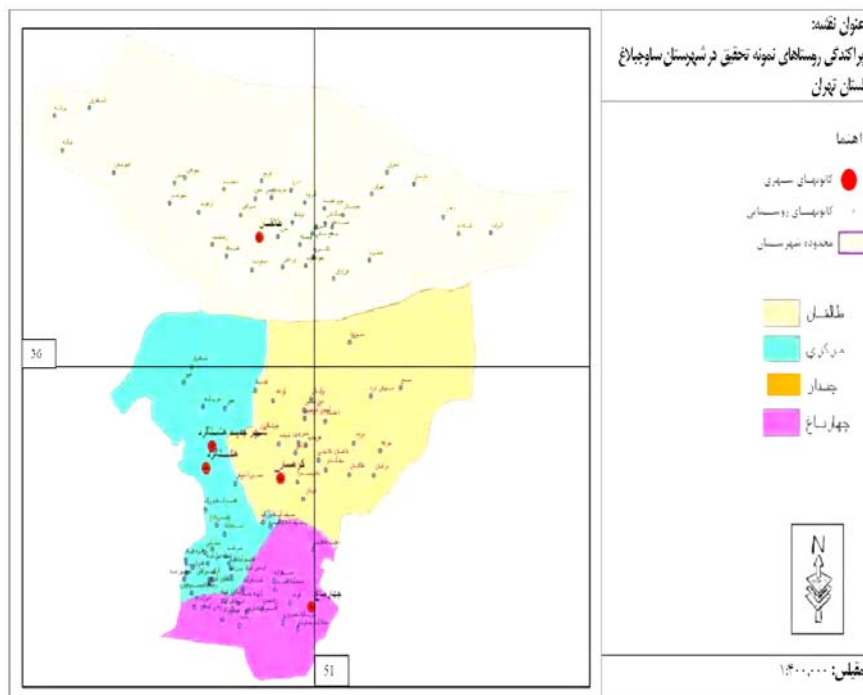
با توجه به اینکه رویکرد برنامه های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه های توسعه کشور پس از انقلاب که عمدتاً بر افزایش رشد اقتصادی، صنعتی شدن و توسعه شهری تاکید داشته است و این سه شاخص از ویژگی های نوسازی محسوب می گردد و نوسازی نیز اعتقاد به اثر و پیامد مثبت مناسبات شهر با روستا دارد، از این رو رویکرد نظری در این پژوهش رویکرد مثبت نگر به مناسبات روستا با شهر است و اعتقاد بر این است که از طریق مناسبات روستا با شهر، روستا از دستاورد های نوسازی بهره مند می شود و توسعه روستاها با مناسبات آنها با شهر رابطه دارد. به عبارت دیگر شهر بر روستا اثر توسعه ای دارد.

روش شناسی تحقیق

به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. در این پژوهش شهرستان ساوجبلاغ به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب گردید و پرسشنامه ای تهیه و پس از بررسی اولیه و رفع نکات مبهم آن، اطلاعات مورد نیاز با همکاری اعضای شورای اسلامی روستاها و دهیاران روستاهای دارای دهیاری، از کلیه روستاهای شهرستان (تعداد ۱۰۳ روستا) که در سرشماری سال ۱۳۷۵ که ۲۰ خانوار و بیشتر داشته اند، جمع آوری گردید (نقشه شماره ۱). سپس

اطلاعات وارد بسته نرم افزار آماری علوم اجتماعی^{۳۱} شده و پردازش های مورد نیاز انجام گردید.

نقشه شماره (۱): پراکندگی روستاهای نمونه تحقیق در شهرستان ساوجبلاغ



^{۳۱} - Statically package for social science(spss)

ویژگیهای محدوده مورد مطالعه

برخی ویژگیهای محدوده مورد مطالعه بر اساس متغیرهای توزیع جمعیت، مسافت روستا از شهر، میزان مناسبات با شهر و میزان خدمات و امکانات توسعه ای (میزان توسعه یافتگی) ارایه می شوند.

توزیع جمعیت

به طور میانگین جمعیت روستاهای مورد مطالعه ۶۴۲ نفر بوده است، حداقل تعداد نفرات یک روستا ۴۲ نفر و حداکثر ۶۹۱۵ نفر بوده است. تعداد خانوار هر روستا بطور میانگین ۱۵۱ خانوار بوده است. حداقل تعداد خانوار روستا های مورد مطالعه ۲۰ و حداکثر ۱۵۴۷ خانوار بوده است.

میزان مناسبات روستا با شهر و فواصل مکان ها

بر اساس یافته های تحقیق از نظر میزان فاصله روستاها از مرکز دهستان، بیش از ۷۶/۷ درصد روستاها کمتر از ۱۰ کیلومتر، ۱۶/۵ درصد روستاها بین ۲۰-۱۱ کیلومتر و ۶/۸ درصد نیز بیش از ۲۱ کیلومتر از مرکز دهستان مربوطه فاصله داشته اند. روستاهای مورد بررسی بطور میانگین ۷ کیلومتر از مرکز دهستان فاصله داشته اند.

بر اساس نتایج بدست آمده، ۳۱/۱ درصد روستاها کمتر از ۱۵ کیلومتر از مرکز شهرستان فاصله داشته اند، ۳۲ درصد روستاها بین ۱۶-۳۰ کیلومتر و ۳۷/۹ درصد نیز بیش از ۳۱ کیلومتر از مرکز شهرستان ساوجبلاغ که شهر هشتگرد می باشد، فاصله داشته اند. روستاهای مورد بررسی بطور میانگین ۳۴/۳ کیلومتر از مرکز شهرستان فاصله دارند.

باتوجه به اینکه به غیر از مناسبات مجازی و مبتنی بر شبکه های مخابراتی، کلیه مناسبات و ارتباطات دیگر روستاییان با شهر وبالعکس از طریق شبکه های حمل و نقل بار و مسافر انجام می گیرد، در این مقاله میزان مناسبات روستا با شهر با میزان وسایل نقلیه عمومی و شخصی سنجیده شد. بر این پایه وبا توجه به نتایج حاصله، بیش از ۵۱ درصد از روستاها بین ۲۰-۱ وسیله نقلیه عمومی و شخصی برای رفت و آمد روستاییان به شهر دارا بودند، ۱۳/۶ درصد بین ۴۰-۲۱ وسیله نقلیه و ۳۵ درصد نیز ۴۱ وسیله نقلیه و بیشتر برای تردد مردم در اختیار داشته اند. بطور میانگین هر روستا ۳۳ وسیله نقلیه دارا بوده اند.

امکانات و خدمات توسعه ای

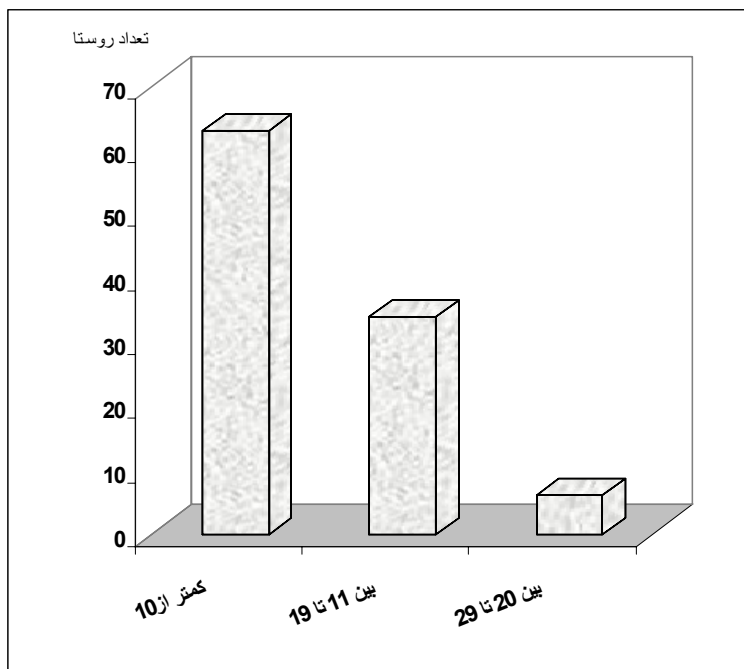
برای بررسی وضعیت روستاها از نظر امکانات و خدمات توسعه ای؛ ۳۳ شاخص مورد نظر بوده است که ۳۳ شاخص در هیچ یک از روستاها متمرکز نبوده و وجود نداشته است. حداقل تعداد خدمات و امکانات توسعه ای که در روستاهای مورد مطالعه وجود داشته برابر با ۲ و حداکثر ۲۹ نوع بوده است. در ضمن ۶۱ درصد روستاها بین ۱۰-۲ مورد از خدمات و امکانات توسعه ای را داشته اند؛ ۳۳ درصد بین ۱۹-۱۱ مورد و ۶ درصد از روستاها نیز بین ۲۹-۲۰ مورد از خدمات و امکانات توسعه ای را دارا بودند(جدول ۱).

جدول ۱: تعداد روستاها و دسته بندی خدمات و امکانات توسعه ای

ردیف	تعداد خدمات و امکانات توسعه ای	دسته بندی خدمات و امکانات توسعه ای			جمع
		۲-۱۰	۱۱-۱۹	۲۰-۲۹	
۱	۲	۱			۱
۲	۳	۴			۴
۳	۴	۹			۹
۴	۵	۸			۸
۵	۶	۶			۶
۶	۷	۱۳			۱۳
۷	۸	۱۱			۱۱
۸	۹	۶			۶
۹	۱۰	۵			۵
۱۰	۱۱		۴		۴
۱۱	۱۲		۶		۶
۱۲	۱۳		۱۰		۱۰
۱۳	۱۴		۲		۲
۱۴	۱۵		۲		۲
۱۵	۱۶		۲		۲
۱۶	۱۷		۲		۲
۱۷	۱۸		۲		۲
۱۸	۱۹		۳		۳
۱۹	۲۰			۱	۱
۲۰	۲۱			۱	۱
۲۱	۲۲			۱	۱
۲۲	۲۴			۲	۲
۲۳	۲۹			۱	۱
جمع		۶۳	۳۴	۶	۱۰۳

در بررسی وضعیت روستاها از نظر امکانات و خدمات توسعه ای؛ ۳۳٪ شاخص مورد نظر بوده که هیچ یک از روستاها همه شاخص ها را به طور کامل نداشتند. حداقل تعداد خدمات و امکانات توسعه ای که در روستاهای مورد مطالعه وجود داشته است؛ ۲ خدمت و حداکثر ۲۹ خدمت بوده است. مطابق نمودار زیر ۶۱ درصد روستاها بین ۱۰-۲ مورد از خدمات و امکانات توسعه ای را داشته اند؛ ۳۳ درصد بین ۱۹-۱۱ مورد و ۶ درصد از روستاها نیز بین ۲۹-۲۰ مورد از خدمات و امکانات توسعه ای را دارا بودند.

نمودار ۱: تعداد روستاها و دسته بندی خدمات و امکانات توسعه ای



یافته های تحقیق

در این قسمت تحلیل داده ها با استفاده از آزمون روابط بین متغیرها ارایه می شود. ابتدا میزان همبستگی بین مسافت روستاها از مراکز دهستان، بخش و شهرستان و همبستگی آنها با میزان مناسبات روستا با شهر و میزان توسعه یافتگی تحلیل و سپس فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد. مسافت و میزان مناسبات و سطح توسعه یافتگی

همان طوری که در جدول ۲ اشاره شده است، بین میزان مناسبات روستا با شهر و مسافت روستا از مرکز دهستان، مرکز بخش و مرکز شهرستان همبستگی آماری وجود دارد. این همبستگی برای مرکز دهستان و مرکز شهرستان در سطح ۹۹ درصد اطمینان و برای مرکز بخش در سطح ۹۵ درصد اطمینان است و این همبستگی منفی و شدت آن به ترتیب $(-۰/۲۷۸)$ ، $(-۰/۳۵۱)$ ، $(-۰/۲۱۵)$ است، که متوسط ارزیابی می شود. نتایج مذکور بیان گر آن است که هر چه مسافت روستا از شهر بیشتر باشد، مناسبات روستا با آن کمتر و بالعکس هر چه مسافت روستا از مرکز دهستان، بخش و شهرستان کمتر باشد، میزان مناسبات با آن بیشتر خواهد بود. بنابراین دسترسی به شهر و وجود تسهیلات بر برقراری ارتباط و پیوند اثر گذار است.

همچنین بین میزان مسافت روستا از مرکز دهستان، مرکز بخش (که شهر است) و مرکز شهرستان و سطح توسعه یافتگی، همبستگی آماری وجود دارد. این همبستگی برای مرکز دهستان و مرکز بخش در سطح ۹۵ درصد اطمینان و برای مرکز شهرستان در سطح ۹۹ درصد اطمینان است و این همبستگی منفی و شدت آن به ترتیب $(-۰/۲۱۵)$ ، $(-۰/۲۰۸)$ ، $(-۰/۳۳۴)$ است، که متوسط ارزیابی می شود. نتایج مذکور نشانگر آن است هر چه مسافت روستا از شهر کمتر باشد، سطح

توسعه یافتگی آن بیشتر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت روستاهایی که از لحاظ مسافت به شهر نزدیکترند، فرصت های بیشتری در اختیار دارند تا از امکانات و خدمات توسعه ای بهتری بهره مند شوند و روستاهای کمتر توسعه یافته روستاهایی هستند که فاصله آنها از شهر زیاد است.

جدول ۲: میزان همبستگی میان میزان مسافت روستا از مرکز دهستان، بخش و شهر و میزان مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی روستاها

مسافت	آزمون آماری	میزان مناسبات روستا با شهر	سطح توسعه یافتگی روستاها
مسافت روستا از مرکز دهستان	Pearson correlation	** $-.0/287$	* $-.0/215$
	Significance(2-tailed)	$0/003$	$0/029$
	N	103	103
مسافت روستا از مرکز بخش	Pearson correlation	* $-.0/215$	* $-.0/208$
	Significance(2-tailed)	$0/029$	$0/035$
	N	103	103
مسافت روستا از مرکز شهرستان	Pearson correlation	** $-.0/351$	** $-.0/334$
	Significance(2-tailed)	$0/000$	$0/001$
	N	103	103

**معناداری در سطح $0/01$

**معناداری در سطح $0/05$

مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی

فرضیه پژوهش مربوط به بررسی و آزمون رابطه و همبستگی^{۳۲} میان مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی روستاها است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که بین میزان مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی روستاها در سطح ۹۹ درصد اطمینان همبستگی وجود دارد و این همبستگی مثبت و شدت آن (۰/۶۸۰) تقریباً قوی است (جدول ۳). نتایج مذکور نشان می‌دهد که افزایش میزان مناسبات و رفت و آمد روستاییان به شهر و افزایش میزان برخورداری روستا از امکانات و خدمات توسعه ای با یگدیگر همراه است و بالعکس افزایش سطح توسعه یافتگی روستاها با افزایش میزان تردد و مناسبات روستاییان به شهر همراه است.

جدول ۳: رابطه بین میزان مناسبات روستا با شهر سطح توسعه یافتگی روستاها

میزان مناسبات روستا با شهر		
سطح توسعه یافتگی روستاها	Pearson correlation	**۰/۶۸۰
	Significance(۲-tailed)	۰/۰۰۰
	N	۱۰۳

**معناداری در سطح ۰/۰۱

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج و یافته های پژوهش نشان می دهد، روستاهایی که مسافت آنها از شهر و یا مراکز دهستان کمتر است، مناسبات و پیوندهای بیشتری با شهر داشته و از سطح توسعه یافتگی بیشتری برخوردارند. علاوه بر این و با توجه به فرض

۳۲ - correlation

اصلی تحقیق، روستاهایی که مناسبات بیشتری با شهر دارند، سطح توسعه یافتگی آنها بیشتر است. بنابراین مناسبات با توسعه دارای همبستگی مثبت است. یافته های تحقیق نشان گر آن است که شهرها به عنوان نقاط و مراکز اشاعه و ترویج دستاوردهای توسعه می توانند عمل نمایند و از آن ها می توان به عنوان قطب های رشد و توسعه بهره گرفت. با تکیه بر رویکرد نظری مکتب نوسازی که رفع مشکلات توسعه ای روستا را در توسعه شهری می داند و با توجه به یافته های تحقیق که موید تاثیر پذیری روستاها از دستاوردهای شهری است، بنابر این برنامه ریزی برای رشد و رونق اقتصادی و توسعه صنعتی مبتنی بر شهرها می تواند آثار توسعه ای برای روستاها فراهم نماید. با توجه به این یافته می توان گفت، سیاستگذاری و برنامه ریزی برای شهرها و روستاها به صورت منفک و جدا از هم نمی تواند توسعه پایدار و تثبیت جمعیت روستاها را که از آن به عنوان یکی از چالش های جدی قرن ۲۱ کشورهای در حال توسعه یاد می شود، تحقق بخشد. ایجاد راههای دسترسی و تسهیل برقراری پیوند میان روستاها و شهرها می تواند از طریق کوتاه نمودن فواصل، مقدمات توزیع امکانات و خدمات توسعه ای در کلیه روستاها و فراهم کردن زمینه برای توزیع جمعیت و بهره گیری از کلیه ظرفیت های طبیعی را فراهم سازد. در حال حاضر با توجه به اینکه از یک سو بخش اعظم درآمدهای کشور از محل درآمد نفت تامین می شود و عمدتاً در شهرها هزینه و سرمایه گذاری می شود و مازاد اقتصادی تولید کشاورزی جامعه روستایی در درآمد ملی جایگاه پایینی دارد و به تدریج روبه تقلیل می رود، و از سوی دیگر کاهش وابستگی به درآمد نفت به عنوان یک هدف متعالی در برنامه های توسعه می باشد، فراهم کردن زمینه پیوند بین شهرها و روستاها، می تواند

موجبات انتقال بخشی از درآمد‌های شهری و سرمایه گذاری در روستاها و بهره گیری از ظرفیت‌ها و امکانات و منابع طبیعی خدادادی را فراهم سازد.

منابع و ماخذ

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. انتشارات اطلاعات. چاپ سوم
۲. افراخته، حسن (۱۳۸۳). ارزیابی نقش شهرها در توسعه ناحیه‌ای. فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۰. زمستان
۳. اهلرس (اهلرز)، اکارت (۱۳۷۱). سرمایه‌داری بهره‌بری و گسترش شهری در شرق اسلامی (نمونه ایران). ترجمه عباس سعیدی. فصلنامه علوم زمین، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، دوره جدید، شماره ۱- بهار و تابستان
۴. بانک جهانی (۱۳۸۴). راهبرد توسعه روستایی (رویکرد جدید بانک جهانی). ترجمه مؤسسه دین و اقتصاد. تهران وزارت جهاد کشاورزی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی. انتشارات تابان. چاپ اول
۵. پاتر. ب. رابرت و ایونز. سلی لوید (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه: کیومرث ایراندوست و دیگران. تهران. چاپ اول انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
۶. تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۸۴). نقش بازارهای محلی در پیوند روستایی - شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای. پایان‌نامه دوره دکتری. اساتید راهنما: دکتر عباس سعیدی و دکتر مظفر صراف - دانشگاه شهید بهشتی.
۷. سبزیان، سعید (۱۳۷۴). مهاجرت‌های روستایی. پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر حسن سرایی.
۸. سعیدی، عباس (۱۳۸۲). روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی-شهری، یک بررسی ادراکی. جغرافیا. شماره ۱ دوره جدید. ۷۱-۹۰
۹. سو، ی، آلوین (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. چاپ

- اول. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. شکویی، حسین (۱۳۸۳) **دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری**، جلد اول. انتشارات سمت. چاپ اول
۱۱. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰) **اقتصاد منطقه‌ای**. تهران. انتشارات سمت. چاپ اول
۱۲. فنی، زهره (۱۳۸۲). **شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای**. انتشارات سازمان شهرداری‌ها. چاپ دوم.
۱۳. قادری، طاهره (۱۳۷۸). **مکتب‌نوسازی و معضل تبیین تغییر و توسعه**. ماهنامه سیاسی-اقتصادی اطلاعات. شماره ۱۴۲-۱۴۱. خرداد و تیرماه و شماره ۱۴۴-۱۴۳ مرداد و شهریور ماه.
۱۴. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۸۱). **اقتصاد رشد و توسعه**. جلد اول، تهران چاپ پنجم، نشر نی، چاپ اول
۱۵. مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۷). **پایگاه علم جغرافیا در ایران**. ج ۱- پایگاه جغرافیای شهری در ایران. انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی. چاپ اول.
۱۶. Cardoso F. and R. Faletto. (۱۹۷۹). ***Dependency and Development . Berkeley and losangeles***: university of California press .
۱۷. Cardoso, F. (۱۹۸۲) ***“Dependency and Development in Latin America”***. In H. Alavi and T. Shanin (eds) introduction to the sociology of developing societies. New York: monthly Review Press ۱۱۲-۱۲۷ .
۱۸. Dawkins. j. Casey (۲۰۰۳) ***Regional Development Theory: conceptual foundation, classic works, and recent developments***. Journal of planning Literature, vol. ۱۸, No۲
۱۹. Douglass, mike (۱۹۹۸) ***A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-urban linkage***: an Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia Third world Planning Review, Vol. ۲۰ no ۱ .
۲۰. ESCAP/un- Habitat (۲۰۰۲). ***Rural-urban linkages and the Role of small and medium-size Towns in Development: issues, concepts***

and Policies. Workshop on Poverty alleviation Through Rural-urban linkage, ۱۶-۱۸ September ۲۰۰۲-siem Reap, Cambodia .

۲۱. Gaile ,Gary I. (۱۹۹۲)*Improving rural-urban linkage Through small town market based development*, Third world planning review , volume ۱۴, No. ۲. pp. ۱۳۱-۱۴۸ .

۲۲. Jerve , Morten, Alf (۲۰۰۱). *Rural-urban linkages and Poverty Analysis*. Www. UNDP. Org

۲۳. Kaur,ravinder(۱۹۹۵)*urban-rural relations, a geographical analysis*. Anmol Publication pvt. New Delhi

۲۴. Miyoshi, Takani, (۱۹۷۱) *Successes and failures Associated with the Growth Pole Strategies*. A dissertation submitted to the University of Manchester for the degree of MA (Econ) in the Faculty of Economic and social studies, department of Economic studies .

۲۵. Palma, G. (۱۹۷۲) “*Dependency: a formal theory of under Development or methodology for the analysis of concrete situations of underdevelopment?* World development . vol. ۶. pp ۸۸۱-۹۲۴

۲۶. Tuerah,noldy(۱۹۹۷)*rural-urban linkages and development: a case study of north sula wesi ,Indonesia. a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in the faculty of graduate studies*. The University of British Columbia .

۲۷. UNDP (۲۰۰۰). *Rural-urban Relations: an Emerging Policy Priority, New York: institutional Development Group, Bureau for Development policy*, UNDP (interim Report, December ۲۰۰۰